

دایه شریفه

شعر و متن: شادی ساُجی

۱ الا ای مَلّتِ ایران! چه کیفی می کنم می بینم ات اینگونه بس شادان،

۲ الا ای مَلّتِ ایران! چه کیفی می کنم شادی ات می گردد چنین فواره بر شومان ،

۳ چنین گسترده اما در سراسرهای کوی و بزرنِ این کشورِ ایران ،

۴ مبارک باد سور آت در همین یک جشنِ آتش ها و آتش باره ی شادی !

۵ مبارک باد رقصِ مختلط در کوی و بزرن های غمگین ات، به هورایی ،

۶ که خود داغی شود بر آن یکی مُلای پیرِ بیتِ شیطان های بس مشرور!

۷ مبارک باد رقصِ شادمانه فارغ از صد داغ و مرگِ داغ بر چشمان مردم ها ،

۸ مبارک بادش این جشن پر از نور و پر از آتش، که از عهد کهن مانده به ویران ها ،

۹ الا ای مَلّتِ محزون و زخمینه دلِ ایران! صدا صد آفرین بر خلقِ شادی ها،

۱۰ به این شامی که محزون است بر تاریخِ ایران جان ، پس از کشتار پیوسته،

۱۱ پس از دی ماه و آبان ماه و شهریور ، و مهر و تیر و خرداد و همان مرداد بس مرده.

۱۲ تمام ماه و سال و روزِ ایران را تبه کرده ، سیه کرده، همین بیت ولی امرِ آقا جان!

۱۳ که حتی از همان آغا به خانِ آن قَجَر، بدتر و بس صدها و صدها صد هزاران بار هم بدتر!

۱۴ سیه کرده است آنک آن لجوجِ ما، تمامِ روزگارِ مَلّتِ ایران، خودش با آن

۱۵ نظامِ دیو سالار اش! که دیوان و ددان پستِ در ارکانِ بس اعلی و بس والا،

۱۶ الا ای مَلّتِ ایران! چه گلکاری نابی کرده ایی اکنون به آخرسالِ نورانی،

۱۷ به جای صد هزاران کشته ی این سال های زخم و اعدامی و اعدامی،

۱۸ به ناگه در تمام کوی و بزن ها، زدی، رقصیدی و خواندی و شوریدی!

۱۹ الهی روزِ خوبِ مَلّتِ ایران! طلوعش را به این سالی که می آید،

۲۰ ببیند شاعرِ تبعید با چشم اش! و عصر شوم تبعید و هراس و ترس هم پایان!

۲۱ به هر بازار و هر کوچه، به هر بن بست و هر پُل های عابرها، بیان رقص دائم وار

۲۲ جاری باشدش پیوسته و پیوسته و دائم، برای مَلّتِ غمدیده ی داغیده ی ایران!

۲۳ الهی سایه ی شوم ولیِ امرِ بدخواهِ تمامِ مَلّتِ ایران شود پایان و پایان ها!

۲۴ الهی عیدِ سالِ نو که می آید، فقط با رقص دسته جمعی این مَلّت بالیده ی ایران،

۲۵ فرو ریزد بساط دار و اعدامی که آن دایه شریفه کرد آتش ها به بنیان های اعدامان!

۲۶ الهی! مادرانِ داغدار مَلّتِ ایران، بخشکد اشک های چشم شان فردای نوروزان!

۲۷ و برگِ سبزِ لبخندی نشیند با پروید بر همین چشمانِ مادرهای محزون سیه پوشان!

۲۸ الا دایه شریفه! با تشکر از همین نقشی که با آتش به اعدام جوانان های ما کردی، به تقدیم است این شعرم!

فرانسه ، حومه ی امیدواری برای روزی نوی شادمانی ملت ایران،

ساعت شانزده و پنجاه و دو عصر

پانوشت شعر:

=====

این شعر در رابطه با دو موضوع اصلی که امروز بر ذهن ام سایه افکنده است، نوشته شده است. و نگارش آن را در ساعت ۱۶ و ۵۲ عصر ۲۳ اسفندماه ۱۴۰۲ به وقت فرانسه پایان بردم. "یکی"، ظهور شادمانی شدید و جمعی و رقص جمعی مردم ایران در کوی و بزرگراهی و بازارهای کالاها و خیابان های شهر تهران و سایر شهرهای دیگر را امروز دیدم، آن هم از طریق ویدئوهای شهروند خبرنگاران که در رسانه های مختلف از جمله ی صفحه ی فیس بوک شبکه ی من و تو، شبکه ی توانا، حسابهای کاربران شخصی در رسانه ی اجتماعی فیس بوک، و ... منتشر شده بود. و به مناسبت جشن چهارشنبه سوری امسال شادی جمعی مردم ایران را از دور دست دیدم. حتی در چند کلیپ از خیابان های کرج دیدم که مردم برای جشن چهارشنبه سوری دیشب، سرود برای، شروین حاجی پور را می خوانند و یا جوانان در حال رقص جمعی برای چهارشنبه سوری در خیابان های رشت مرتب داد می زنند. آزادی، آزادی، آزادی! و بالا و پایین می پرند!

و "دومین موضوع"، حرکت نمادین و تئاتر اجتماعی یک نفره ی دایه شریفه، مادر داغدار رامین حسین پناهی ، جوان پیشمرگ حزب کومله اعدامی در شهریور سال ۱۳۹۷، است. رامین حسین پناهی جوان کرد اهل دهگلان بود که برای گرفتن حقوق پای ماه شده ی مردم کردستان، اسلحه به دست گرفت تا علیه جمهوری اسلامی مبارزه کند و به اعدام محکوم شد، و جان خود را از دست داد، یکی از بندهای اتهام رامین حسین پناهی گرفتن جشن نوروز بود!

دایه شریفه دیشب، به مناسبت چهارشنبه سوری در ۲۲ اسفند ۱۴۰۲ طناب بافته ی دار کوچکی که به یک چوب متصل شده است را آتش زد که حاوی پیام نمادین پایان اعدام در عصر سیاه آخوندی ضد ایرانی با استفاده از نماد نور و روشنی و آتش باستانی معابد زردتشتی کهن ایران است. به پاسداشت خلاقیت هنری و سیاسی دایه شریفه، برای خلق این نمایشنامه ی کوتاه و عمیق و زیبای یک نفره، این شعر به او تقدیم می شود.



پا نوشت دو عکس: دایه شریفه درحالی آتش زدن طناب دار اعدام در جشن چهارشنبه سوری امسال! دایه شریفه اکنون بازیگر تاریخی یک تئاتر یک نفره است، تئاتری کوتاه که محتوی آن در راستای منافع ملی مردم ایران و با پیام پایان خشونت غیر قابل جبران کشتار انسان های ساکن دیار ایران با روش قتل حکومتی با ظاهری کاملاً قانونی در دستگاه دیو سالاران آخوندی! ۲۲ اسفند ماه ۱۴۰۲